

# موضوع‌شناسی در تاریخ‌نگاری‌های محلی خراسان

(۱۳۴۴ - ۱۳۳۵ق)

مولود ستوده<sup>۱</sup>

## چکیده

مورخان محلی با دیدگاه‌ها و انگیزه‌های مختلف اقدام به نگارش تاریخ‌های محلی نموده‌اند. آن‌ها گاه به سبب علایق شخصی که نسبت به شهر و دیار خود داشتند، وقایع و رویدادهای با اهمیت و دارای اعتبار تاریخی را در کتاب خود نوشته و به موضوعات دیگر توجه چندانی نداشته‌اند. در تاریخ‌های محلی خراسان نیز موضوعات مذهبی و سیاسی از جمله موضوعات مهمی بودند که بسیاری از موضوعات محلی را تحت تأثیر خود قرار داده و آن‌ها را در حاشیه نگاه داشته بودند. این امر باعث شده بسیاری از مورخان از توجه به گستره وسیعی از موضوعات محلی دور بمانند. در دوره صفوی اگرچه نگرش حکومت نسبت به خراسان و پایتخت قرار گرفتن مشهد از منظر مذهبی با اهمیت به نظر می‌رسید، نگرش سیاسی دولت وقت به موضوعات مذهبی، این موضوعات را تحت الشعاع قرار داد؛ در حالی که پس از فروپاشی این دولت تا دوره قاجار، با وجود اهمیت سیاسی خراسان برای ایران، دولت قاجار بر تقویت نگرش مذهبی گرایش داشت و به موضوعات سیاسی کمتر می‌پرداخت. به جهت این نوع نگرش، با وجود اهمیتی که خراسان از نظر محلی و منطقه‌ای داشت، تعداد محدودی تاریخ‌های محلی درباره آن نوشته شد و همین تعداد نیز تنها بر موضوعات مشخصی تمرکز داشت.



در مقاله حاضر به این موضوع پرداخته شده که مورخان محلی خراسان در دوره پس از فروپاشی دولت صفوی تا دوره قاجار چه موضوعاتی را ثبت نموده‌اند؟ هم چنین، موضوعات مذهبی و سیاسی که از نظر مفهوم کلی می‌توانند موضوعات ثابتی به شمار آیند موضوعات پایدار و سیال در نظر گرفته و بررسی شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ نگاری محلی ایران، خراسان، مشهد، موضوع شناسی.

### مقدمه

خراسان در ادوار تاریخی گوناگون نه تنها یکی از وسیع‌ترین مرزهای شرقی ایران به شمار می‌آمده، بلکه پس از ورود اسلام به این سرزمین و هم چنین قرار گرفتن مضجع شریف امام رضا علیه السلام در مشهد، این منطقه اهمیت مذهبی، سیاسی و فرهنگی ویژه‌ای یافته است. وجود شخصیت‌های علمی و دینی در آن سرزمین سبب شکل‌گیری کانون‌های معتبر فرهنگی گردید که یکی از آن شاخه‌ها، کانون‌های تاریخ‌نگاری محلی خراسان بود. در ابتدای ورود مسلمانان به این خطه، کتاب‌های متعددی درباره فتوحات اسلامی نوشته شد اما با طرح موضوعات فضایل نویسی، روند نگارش تاریخ‌های محلی مستقل در خراسان شکل گرفت. این روش با ظهور خاندان‌های محلی قدرتمند به اوج رسید و سنت محلی‌نگاری تا دوره تیموریان همچنان پا برجا ماند، ولی این جریان در دوره صفوی رو به کاهش نهاد. هر چند کتاب‌های *مرآت واردات*، *مطلع الشمس*، *فردوس التواریخ*، *تاریخ و جغرافیای خراسان* و *تاریخ علماء خراسان* منابع معتبری هستند که اطلاعات ارزشمندی را درباره خراسان پس از فروپاشی دولت صفوی و دوره قاجار در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند، مورخان اطلاعات بیشتری از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شهری در آن حدود ارائه نداده‌اند. در دوره قاجار نیز اطلاعات کمی درباره مشهد و ویژگی‌های آن موجود است. اگرچه سفرنامه‌نویسان سعی کرده‌اند سیمای آن منطقه را ترسیم کنند، اما فاقد نگرش محلی‌نگاری بوده و اطلاعات به جای مانده کافی نبوده است. ناگزیر باید از منابع اطلاعاتی پراکنده دیگری مانند محلی‌نگاری‌های مناطق و ولایات هم جوار خراسان، بهره برد.



## مبانی نظری

نگارنده برای انتخاب و مطالعه موضوعات محلی خراسان، از نظریه بنیادی بهره‌مند گردیده است.<sup>۱</sup> براین مبنا، هرپدیده یا موضوعی که مورخ محلی در ثبت وقایع و رویدادهای شهری از آن استفاده نموده، یک داده به شمار آمده است که با مطالعه ایجاد، تکرار و تغییر و تحولات موضوعات ثبت شده می‌توان با نگاهی نوبه شکل‌گیری موضوعات محلی پی برد. این‌گونه موضوعات عناصر اصلی نگارش و تحقیق در تاریخ به شمار می‌آیند. برخی از موضوعات از لحاظ محتوایی با مجموعه‌ای از موضوعات دیگر می‌توانند ارتباط مؤثری برقرار کنند و بر محور مشخصی انسجام یابند. در این صورت، شبکه‌های موضوعی شکل می‌گیرند (Sotoudeh, Nouraei, 2013: 104-106).

برخی از موضوعات موجود در جامعه نه تنها از تأثیر و قدرت به سزائی برخوردار هستند، بلکه خود موجد موضوعات متنوع دیگری می‌شوند و این پیوندها می‌تواند بدون انقطاع ادامه یابد. مورخان محلی هر یک بنا بر سلیقه و نگرش خود، موضوعاتی را برای نگارش تاریخ‌های محلی انتخاب کرده‌اند. برخی به موضوعاتی مانند شرح حال رجال و شخصیت‌ها پرداخته‌اند، برخی به تاریخ سیاسی و برخی به شرح بناهای تاریخی اشاره کرده‌اند. یکی از مشکلات پیش روی محققان تاریخ محلی، پراکندگی مطالب، غلظت و کم‌رنگ بودن شرح موضوعات در تاریخ‌های محلی است. به همین منظور، میدان‌های تحقیق در تاریخ‌نگاری‌های محلی طراحی شده‌اند که جغرافیای تاریخی (ویژگی‌های طبیعی، منابع آبی، وجه تسمیه شهرها، اسکان و شهرسازی و نقشه برداری)، جمعیت (میزان جمعیت، علل افزایش و کاهش جمعیت شهر یا منطقه)، تاریخ اجتماعی (طبقات و اقشار اجتماعی و روابط اجتماعی محلی)، تاریخ سیاسی (تاریخ شکل‌گیری حکومت، نهادهای سیاسی، حکام)، تاریخ اقتصادی (روش‌های معیشت همچون کشاورزی، تجارت، صیادی، بازار)، تاریخ فرهنگی (ادبیات، علم و دانش، آموزش، دانشمندان) و تاریخ عقاید (مذاهب و فرق) در هر محل را می‌توان به کمک آن مورد مطالعه قرار داد (ستوده، ۱۳۹۲: ۴۰ - ۲۰).

۱. نظریه بنیادی روشی است که در آن محقق دست به انتخاب داده‌های مورد نظر خود زده و سپس از جمع‌آوری داده‌ها و رسیدن به اشباع نظری، نظر خود را درباره موضوع مورد بحث ارائه می‌کند. (ایمان محمدیان، ۱۳۸۷: ۳۱).

در کنار میدان‌های تحقیق فرضی، برخی موضوعات محلی اهمیت ویژه‌ای دارند که بر جریان کلی تاریخ‌نگاری هر محل تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، در تاریخ‌نگاری‌های محلی خراسان هیچ یک از مورخان محلی به موضوعاتی که در هریک از این حوزه‌های تحقیقی به آن اشاره شده توجه ویژه‌ای نداشته‌اند، در حالی که مطالعه‌ی موضوعات مطرح شده در تاریخ‌نگاری‌های محلی خراسان و تأکید مورخان بر برخی موضوعات و تکرار و توصیف آن‌ها، این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که موضوعات سیاسی و مذهبی، دو محور اصلی در حیات و تداوم موضوعات محلی به شمار می‌آیند که وجود و یا نبود بسیاری از موضوعات دیگر را در آن منطقه تحت تأثیر قرار می‌دهند. این موضوعات را بنا بر ویژگی ساختاری آن‌ها می‌توان با عنوان موضوعات قوام دهنده (تأثیرگذار) و موضوعات سیال، توصیف نمود.

منظور از موضوعات تأثیرگذار، موضوعاتی هستند که قابلیت تولید و یا تقویت موضوعاتی را دارند که می‌تواند تداوم دهنده‌ی موضوعات دیگری هم باشند. به عبارتی، موضوعات وابسته بر محور یکی از ابعاد آن چرخیده، حیات و بقا می‌یابند به حدی که جدایی از آن موجب از هم گسیختگی ارتباط بین آن‌ها، نزول و یا از بین رفتن موضوع وابسته می‌گردد که می‌توان آن‌ها را موضوعات قوام دهنده (یا تأثیرگذار)<sup>۱</sup> نامید. به عنوان مثال، حرم‌های مطهر امام رضا علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام و بقعه مبارکه شاه چراغ را می‌توان از این دست موضوعات دانست. در خراسان، وجود حرم مطهر به سبب منابع مالی دارای توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه قدرتمندی بود. این ویژگی‌ها نه تنها سبب اعتبار و نفوذ متولیان آن گردید، بلکه به مرور زمان به نماد محلی و منطقه‌ای در شمال شرق ایران نیز تبدیل شد. این موضوع به طور مستقیم یا غیر مستقیم قابلیت تولید ثروت را دارد و این حیات مادی سبب تداوم که موضوعات وابسته در طی قرون و اعصار می‌شود. از طرفی، قدمت این موضوعات آن‌ها را به موضوعاتی پایدار تبدیل می‌کند که حتی در اندیشه‌ها و آیین‌های اجتماعی محلی و یا سیاسی، جایگاه ویژه‌ای می‌یابند.

اتصال به خاندان وحی و اعتقاد مردم، این موضوعات را با اعتقادات مذهبی پیوند می‌دهد و به موضوعات قدیمی و همیشگی (ثابت) تبدیل می‌کند که بالقوه ارزشمندند و

۱- Influential subjects.



به روند تکامل آن‌ها در جامعه گسست‌ناپذیر می‌نماید. موضوعات قوام‌دهنده را می‌توان به کوه یخی تشبیه کرد که نماد ظاهری آن در بیرون از آب قرار دارد ولی حجم عظیمی از وجود آن در زیر آب پنهان است. اگرچه حرم مطهر در نگاه اول شکل و شمایل مذهبی دارد، دامنه وسیعی از موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی در درون آن نهفته است که نه تنها بالقوه دارای قدرت است؛ بلکه قابلیت تولید و توزیع قدرت و ثروت را دارد و موجبات بقا و تداوم موضوعات وابسته به خود را فراهم می‌سازد و شبکه‌ای از موضوعات مرتبط با آن تشکیل شده است. (ستوده، ۱۳۹۲: ۵۸ - ۵۶)

قدرت، موضوع دیگری است که اگرچه در وجوه مختلف سیاسی، مذهبی و اجتماعی آن ثابت و پایدار است، اما زمانی که به روش‌های مختلف مدیریت می‌شود، می‌توان آن را موضوعی سیال<sup>۱</sup> فرض نمود که شبکه‌ای از موضوعات دیگر را تشکیل داده و بیانگر چرایی وقوع رویدادهای مختلف است؛ به این معنا که قدرت و حکومت بر جوامع شهری و منطقه‌ای و ارتباط آن با دولت مرکزی موضوع مستقلی است که در هر جامعه‌ای بنا به شرایط محلی به شیوه‌ای متفاوت بروز و ظهور یافته است.

بنابراین از نظر مفهوم، ثابت و تکرارپذیر است اما در انواع مختلف سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی آن موضوعی سیال است و عامل انسانی در شکل‌گیری آن نقش مستقیم دارد. حضور این عامل و تلاش برای کسب، نیروی کششی است که سبب سیلان، حرکت و تغییر آن می‌شود، هرچند در مفهوم از هسته و محور ثابتی برخوردار است. این موضوع ثابت یکی از عوامل ایجاد تغییر در موضوعات جانبی و وابسته و موضوعات متأثر از آن به شمار می‌آید. در تاریخ‌نگاری‌های محلی خراسان نیز به رویدادهای نظامی و سیاسی و شکل‌گیری آن حول هسته و محور اصلی قدرت‌های محلی اشاره شده است که چگونه به کمک ابزار یا عوامل مختلف نژادی، مالی و نظامی که در دست خاندان‌ها و حکومت‌های محلی قرار داشت، چرخش می‌یافت. این موضوعات زمانی برجسته‌تر می‌گردد که در مقایسه با حضور یا نبود موضوعات محلی دیگر در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و اقتصادی قرار گیرند. (ستوده، ۱۳۹۲: ۳۶)



## تاریخ نگاری‌های محلی خراسان

خراسان بزرگ یکی از پهناورترین ولایات مرزهای شمالی شرقی ایران بود و حدود آن تا هند و چین نیز می‌رسید. این مرزهای گسترده معبرهای مهمی در تاریخ تجارت ایران با نواحی شرقی به شمار می‌آمد و همواره تبادلات فرهنگی و تمدنی غنی در این حدود صورت می‌گرفت، به همین جهت خراسان نه تنها مرزهای سیاسی ایران بلکه مرزهای فرهنگی و اقتصادی ایران نیز به شمار می‌آمد. اما گاهی ارتباطات خراسان با اقوام ساکن در آن سوی مرزهای شرقی خود به این موضوعات محدود نمی‌شد و همواره مورد هجوم صحراگردانی قرار می‌گرفت که قصد داشتند به غرب مهاجرت کنند. به همین جهت، در تاریخ خراسان، مرزدارانی یکی از موضوعات مهمی است که زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ و ادبیات حماسی را در آن حدود فراهم ساخته است. در طول قرون متمادی، تاریخ این منطقه نه تنها از منظر تاریخ محلی، بلکه تاریخ ملی، تاریخ شهری و مذهبی اهمیت ویژه‌ای داشته است. وجود شهرهای معتبر در خراسان، زمینه‌های شکل‌گیری بسیاری از نهادهای شهری در دوره‌های مختلف را فراهم ساخت. پس از اسلام و با ورود مسلمانان، شهرهای اسلامی شکل گرفت و تعداد بسیاری از صحابه، تابعین و محدثین در آن نواحی ساکن شدند و به نقل حدیث و نشر تعالیم اسلامی پرداختند.

ورود اسلام به ایران، نقطه عطفی در تاریخ این ولایت به شمار می‌آید که آن را به مرزهای جهان اسلام تبدیل نمود و کانون‌های مهم فکری در آن شکل گرفت. توجه به خراسان و نیاز به شناخت بیشتر آن برای مسلمانان، زمینه‌های نگارش کتاب‌های جغرافی و تاریخ را فراهم ساخت. کتاب‌های جغرافیای تاریخی مانند *اشکال العالم* جیهانی، *حدود العالم من المشرق الی المغرب* و *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، در قرن چهارم هجری نوشته شدند. در قرن چهارم و پنجم قمری کتاب‌هایی مانند *تاریخ بخارا* نرشخی، *تاریخ نیشابور* ابو عبدالله حاکم نیشابور، *تاریخ جرجان* سهمی، *تاریخ سیستان* که متفرعات تاریخ خراسان به شمار می‌آید، نوشته شدند. در این دوره، سنت تاریخ‌نویسی محلی، بر ذکر تاریخ شهرها از دوره باستان تا دوره اسلامی، شرح حال رجال، محدثان، علمای دینی و فضایل شهرها بود. تاریخ‌های دیگری مانند *تاریخ بیهقی ابن فندق*، *فضایل بلخ* صفی‌الدین بلخی در قرن ششم نوشته شدند. اما با حمله مغولان به خراسان و ناپسامانی‌هایی که در آن حدود روی داد، سنت تاریخ‌نویسی محلی تا مدتی متوقف



مانند و مورخان در تاریخ‌های عمومی به شرح اطلاعاتی جامع درباره خراسان همت ورزیدند. تاریخ‌نامه هرات سیفی هروری یکی از تاریخ‌های محلی است که پس از مغولان شکل گرفت. هرچند در این دوران نوعی تاریخ‌نویسی با عنوان «مزارنویسی» رایج شد و کتاب‌هایی مانند *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات* اسفزاری، *مقصد الاقبال السلطانیه* عبدالله واعظ، *تاریخ ملازاده* در ذکر مزارات بخارا، *معین الفقرا و تقسیم آب قلب هروری* نوشته شدند. در دوره صفوی کتاب‌های *احیاء المملوک*، *قندیه و سمریه* را در ذیل تاریخ‌نویسی‌های خراسان آورده اند (خیراندیش، ۱۳۸۰: ۲۳ - ۲۱).

با وجود آن که خراسان در دوره‌های مختلف اسلامی یکی از کانون‌های مهم نقل حدیث، علوم مختلف و از جمله تاریخ‌نگاری بوده است، اما در دوره صفوی تا دوره قاجار کمتر شاهد نگارش تاریخ‌های محلی مبسوط درباره شهرهای این سرزمین هستیم. پس از انتخاب مشهد به عنوان پایتخت خراسان و اهمیت مذهبی این شهر در دوران صفوی، تاریخ‌های محلی محدودی به چشم می‌خورد. این روند تا دوره‌های پس از فروپاشی دولت صفوی تا دوره قاجار ادامه یافت و تنها چند کتاب با تکیه بر موضوعات مذهبی، عمارت‌های مذهبی، علما و سرشماری جمعیت نوشته شده‌اند. اگرچه کتاب *مطلع الشمس* اعتماد السلطنه اعتبار بسیاری دارد، گرایش مورخ به جغرافیا و سفرنامه نویسی، موضوعات محلی و شهری را تحت الشعاع قرار داده و کمتر به آن‌ها توجه شده است. دسته‌ای دیگر از منابع محلی که در شناخت موضوعات محلی به مورخان کمک می‌کند، موضوع‌نگاری‌های محلی است که به جمع‌آوری اطلاعات درباره سرشماری جمعیت در برخی نواحی مانند نیشابور و مشهد و خواف مربوط است. اگرچه هدف اولیه جمع‌آوردگان این سرشماری‌ها که در کتابچه‌هایی با عنوان کتابچه‌های نفوس مشهد، نیشابور، خواف و باخزر ثبت شده‌اند، اطلاع دقیق از میزان جمعیت و اتخاذ تصمیمات مالی و یا نظامی بوده است، این امکان را فراهم می‌کند تا محقق به شناخت بیشتری نسبت به نیروی انسانی آن حدود دست یابد و از این جهت که می‌توانند در تکمیل تحقیقات محلی مورد استفاده قرار گیرند، بسیار اهمیت دارند (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۷۲ - ۱۸۱).

**پراکندگی موضوعات در تاریخ نگاری‌های محلی خراسان**

در بررسی موضوعات تاریخ نگاری‌های محلی خراسان در این دوره، این نکته روشن است که مورخان محلی به ویژگی‌هایی خاص چون فضایل نویسی، موضوعات مذهبی و سیاسی بیش از موضوعات دیگر توجه داشته‌اند و این امر سبب شده تا بسیاری از موضوعات محلی که می‌تواند شناخت ما را نسبت به آن منطقه بیشتر سازد، مغفول بماند. از طرفی، موضوعات محلی که مورخان محلی در ثبت تاریخ بر روی آن تکیه داشته‌اند نیز قابل توجه است، زیرا نه تنها حاکی از علایق شخصی نویسندگان در جمع‌آوری اطلاعات مربوط به یک منطقه است، بلکه نشانگر ضرورت‌های موجود در آن اجتماع نیز هست. قرار گرفتن حرم مطهر امام رضا علیه السلام در مشهد، وسعت و گستردگی منطقه خراسان و هم‌جواری آن با مرزها و نواحی مختلف ایران سبب گردیده تا موضوعات مذهبی و سیاسی نیز پررنگ‌تر جلوه کند. با مقایسه پراکندگی موضوعات منتخب از سوی مورخان محلی این دوره با یکدیگر، که عمدتاً حول محورهای تاریخ سیاسی، مذهبی و جمعیت قرار داشته‌اند، این موضوع آشکارتر می‌شود.

**جدول ۱. پراکندگی موضوعی در تاریخ نگاری‌ها و موضوع نگاری‌های محلی خراسان از فروپاشی****دولت صفوی تا قاجار**

ردیف	نام کتاب و نویسنده	دوره تاریخی	موضوعات
۱	مرآت واردات (طهرانی)	سقوط صفویه تا نادرشاه	سقوط صفویه، ملک حسین سیستانی، نادرشاه
۲	مطلع الشمس (اعتماد السلطنه)	قاجار	بنای شهر مشهد، حرم مطهر و ملحقات آن، جمعیت، علوم و رجال
۳	فردوس التواریخ (بسطامی)	قاجار	شهر مشهد، حرم مطهر، طب الرضا <small>علیه السلام</small> و برخی رجال
۴	تاریخ و جغرافیای خراسان (لاهیجی)	قاجار	شهر مشهد و حرم مطهر
۵	تاریخ علماء خراسان (میرزا عبدالرحمن)	قاجار	علمای خراسان از صفوی تا قاجار
۶	نفوس ارض اقدس مردم مشهد قدیم (زین العابدین میرزا)	قاجار	جمعیت
۷	تاریخ مشهد (نسخ خطی)	قاجار	حکام محلی، متولیان آستان قدس رضوی، تغییرات در حرم مطهر <small>علیه السلام</small>





موضوعات مذهبی نه تنها در ظهور و افول شهرها بلکه در نوع شهرسازی مشهد نیز تأثیر داشته است. طوس از شهرهای مهم خراسان به شمار می‌آید، اما با قرارگرفتن مرقد مطهر حضرت امام رضا (علیه السلام) در دهی به نام سناباد، به تدریج این شهر از رونق افتاد و شهر مشهد در اطراف حرم مطهر، توسعه یافت.

در دوره قاجار، مشهد یک خیابان کوچک با کوچه‌های فرعی داشت که تمامی از این خیابان منشعب می‌شدند و تمام عرض شهر را به دو قسمت تقسیم می‌کرد. ساکنان شهر علاقه داشتند خانه‌هایشان را اطراف حرم بسازند؛ از این رو تمام خیابان‌ها و کوچه‌های شهر در اطراف حرم مطهر ساخته و به آن منتهی می‌گردید. در وسط کوچه‌ها نه‌ری جاری بود و در برخی موارد اهالی برای گذر از آن‌ها، پل‌هایی روی نه‌رها گذاشته بودند. کوچه‌ها کثیف و درهای خانه‌ها بدمنظر بود، اما درون خانه‌ها فضای مصفایی وجود داشت.

در زمان ناصرالدین شاه، مشهد ۳۲ محله داشت که در هر محله یک کدخدا به امور اهالی رسیدگی می‌کرد. حرم حضرت رضا (علیه السلام) مهم‌ترین بنای مشهد به شمار می‌آید که در مرکز شهر قرار داشت و شامل قسمت‌های مختلفی چون گنبد و تالار، صحن‌ها و مساجد می‌گردید (لاهیجی، ۱۳۸۵).

وقف یکی از موضوعات اصلی در تاریخ‌نگاری‌های محلی خراسان است که در شبکه، موضوعی حرم مطهر مطرح شده است و مورخان محلی به ذکر وقف‌نامه‌های مختلف پرداخته‌اند. دولت‌مردان دوره‌های صفوی تا قاجار همسوبا سیاست‌های مذهبی خود، قسمت‌های مختلفی از بنای حرم مطهر، گنبد، صحن و دیگر اجزای آن را ساخته و تزئین کردند، حتی وقف‌نامه‌هایی را به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز برای حفظ این بناها تنظیم نمودند. هریک از این وقف‌نامه‌ها از نظر اقتصادی، فرهنگی، هنری، مذهبی و بسیاری جنبه‌های دیگر، بسیار با اهمیت هستند اما مورخان محلی کمتر درباره بازتاب و تأثیرهای آن در شهر مشهد، اهالی و زائران سخن رانده‌اند.



## جدول ۲. پراکندگی وقف نامه‌های شاهان سلسله‌ها برای حرم مطهر

دوره	واقفان	تعداد
صفویه	شاه طهماسب، شاه صفی، شاه عباس، شاه سلیمان، شاه سلطان حسین	۱۸
افاغنه	استیلای افاغنه	۱
افشاریه	نادرشاه، عادل‌شاه، شاهرخ افشار	۵
زندیه	کریم خان زند	۹
قاجاریه	آغا محمدخان، فتح‌علی‌شاه، محمد شاه غازی، ناصرالدین شاه	۲۷

(اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲)

این جدول نشان می‌دهد با وجود آن که دولت شیعی صفوی اهتمام و توجه بسیاری به حرم مطهر داشت، نگرش سیاسی بر نگرش مذهبی آن برتری یافته است. با گسترش و تحکیم عقاید شیعی در جامعه ایرانی در دوره‌های بعد، این جریان هم‌چنان ادامه یافت و با وجود آن که شاهان و امرای تازه به تخت رسیده سعی کردند برای انتساب خود به خاندان وحی و گسترش نفوذ خود تا اقصی نقاط ایران وقف‌نامه‌هایی را تنظیم کنند، ثبات سیاسی در دوره قاجار در افزایش تعداد وقف‌نامه‌ها تأثیر داشت. در این زمینه، نه تنها شاهان برای کسب اعتبار معنوی به ساخت و تعمیر قسمت‌های مختلف بنای حرم مطهر اهتمام ورزیدند، بلکه عده‌ای از متمولین به جهت تیمن و یا امکان تدفین در اطراف حرم، مبالغی را صرف ساخت و تعمیر بنای حرم می‌نمودند. البته، گاهی سرداران جویای نام و قدرت به جای ساخت و تعمیر این بنای معظم، وجوهات آستان قدس را صرف مصارف نظامی و کسربودجه خود می‌کردند، که نتیجه‌ای جز لعن و نفرین و از بین رفتن مشروعیت برای آن‌ها در بر نداشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۳۱۳ - ۳۰۱).

امروزه وقتی هریک از اجزای این مجموعه مورد مطالعه قرار می‌گیرد، به وجود شبکه‌های موضوعی متنوعی پی برده می‌شود که هریک از نظر مذهبی، معماری، فرهنگی، هنری و شغلی اهمیت دارند و کارکردها و ویژگی‌های خاصی داشته‌اند که مورخان محلی تنها به توصیف ظاهر آن بسنده کرده‌اند. به عنوان مثال، مورخان محلی به روضه مقدسه، صورت کتیبه‌ها، صورت احادیث، آیات و کلمات قصار، امثال و نصایح در کاشی‌ها، ابواب و رواق‌های مبارکه، کتیبه‌های ابواب توحید خانه، گنبد الله‌وردی خان، ضریح مطهر، گنبد مطهر، صحن عتیق، صحن جدید، مسجد گوهرشاد،



مقبره شیخ بهایی و مانند آن بسیار اشاره کرده‌اند؛ اما توضیح بیشتری درباره صنوف مرتبط، معماران، هنرمندان و یا منابع مالی آن نمی‌دهند. در حالی که هریک از این بخش‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری فکری، مادی و معنوی بسیاری است که مکتوم مانده است.

از نظر جمعیت، شهر مشهد به جهت اهمیت زیارتی و تجارتي آن، ترکیب جمعیتی ثابت و متغیری داشت. به این معنا که حدود نیمی از جمعیت اهالی و ساکنان به طور ثابت در شهر استقرار داشتند و نیم دیگر از جمعیت را زائرانی تشکیل می‌دادند که به قصد زیارت به مشهد می‌آمدند و مدتی در آن شهر ساکن می‌شدند. جمعیت مشهد در دوره ناصرالدین شاه به طور متوسط بین پنجاه تا شصت هزار نفر ذکر شده که نیمی از آن‌ها زوار بودند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۳۲۰ - ۳۰۲). در منابع اطلاع‌چندانی درباره طبقات اجتماعی شهر مشهد وجود ندارد، اما فعالیت‌های مربوط به امور حرم مطهر موجب شکل‌گیری طبقات مذهبی شده بود که دارای سلسله مراتب و منصب‌های موروثی بود و متولیان و خدام آستان قدس اغلب در این طبقه قرار می‌گرفتند.

۸۱

از نظر سیاسی، خراسان جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ایران داشته است. این منطقه که از دیرباز محل تلاقی اقوام و ملل مختلف بود، در قرون اولیه اسلامی به سرحدات سرزمین‌های اسلامی تبدیل شد و بسیاری از غیرمسلمان‌ها به ضرب شمشیرغزبان دست از اعتقادات خود برداشتند و مسلمان شدند. جنگ و سهم‌خواهی ارضی و سیاسی در خراسان موضوعات ثابتی هستند که در منابع آن دوره به آن‌ها اشاره شده است. از طرف دیگر، توانمندی‌های فردی امرا در جمع‌آوری نیروی نظامی و مسلح نمودن آن‌ها، منابع مالی و قدرت اقتصادی و نفوذ مذهبی در جهت استیلای سیاسی و اجتماعی بر خراسان، شرایطی را به وجود آورد که کنترل و هدایت جامعه، از خاندانی به خاندان دیگر، در دست عواملان و قیام‌کنندگان برای قدرت می‌چرخید و این موضوع ثابت را به یک موضوع سیال با شرایط متغیر سیاسی و نظامی تبدیل می‌کرد. به عنوان مثال، در اوایل دوره صفوی شاه اسماعیل و شیبیک خان اوزبک هر دو برای کسب قدرت در خراسان رو به روی یکدیگر قرار گرفتند.

در پیغامی که شیبیک خان برای شاه اسماعیل می‌فرستد، خلاصه وضع موجود در خراسان را چنین شرح می‌دهد: «هر که شمشیرزند، خطبه به نامش خوانند»،



شاه اسماعیل نیز که نگرش مشابهی نسبت به قدرت داشت، پاسخ وی را با مضمونی مشابه می‌دهد: «اگر [خداوند] تحکم عباد موقوف بر یک خانواده می‌گردانید، می‌بایست که از دودمان فریق پیشدادیان که مراد از کیومرث و هوشنگ و طهمورث و جمشید است منتقل به خاندان کیانی نمی‌شد و از کیانی به ساسانیان می‌بایست که هرگز نمی‌رسید ... من هم به همان اعتقاد دارم یعنی هر که شمشیرزند خطبه به نامش خوانند.» (طهرانی، ۱۳۸۳: ۸۲).

پس از پیروزی شاه اسماعیل، مشهد با توجه به وجود حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام در آن شهر و نزدیکی بیشتر با مرکز قدرت در ایران، پایتخت خراسان گردید. در دوره صفوی، حاکمان محلی خراسان از سوی دربار انتخاب و به آنجا اعزام می‌شدند. شاهان صفوی نیز با اهدای هدایا، نذورات و موقوفات بسیار برای آستان مقدس، سعی داشتند پیوند معنوی خود را با حرم مطهر در اذهان عمومی استحکام بخشند. در دوره‌های بعد نیز شاهان به این روش عمل می‌کردند و به طور متوالی هدایایی وقف مرقم مطهر امام رضا علیه السلام می‌شد. اما در اواخر دوره صفوی، افزایش توان اقتصادی مناطق شرقی ایران زمینه‌های تقویت قدرت را در دست رجال محلی این نواحی فراهم کرد. دربار شاه سلطان حسین که دچار ضعف مالی و سیاسی گردیده بود، نتوانست نیروهای نظامی محلی در خراسان را با خود همراه کند و در مدتی کوتاه و به شکلی باورنکردنی مضمحل و به سرعت متلاشی شد (طهرانی، ۱۳۸۳: ۱۲۰ - ۱۱۸) و زمینه‌های شکل‌گیری قدرت جدیدی در مشهد فراهم گردید (صبوری، ۱۳۸۶: ۲۰۵ - ۲۰۳). سقوط این دولت به دست افغان‌ها، سبب استیلای افغانه بر عراق عجم، فارس و بعضی از بلاد خراسان شد و مردم بسیاری به قتل رسیدند و اموال شهرها به غارت رفت.

با از بین رفتن دولت مرکزی، قدرت در خراسان به دست رجال محلی افتاد و مدت‌ها رجالی چون شیخ محمد زکی از فضلا و علمای نیشابور، میرویس، ملارونقی و یا ملک محمود سیستانی با یکدیگر جنگیدند. هر گاه یکی از آن‌ها به تخت امارت تکیه می‌زد، سکه و خطبه به نام خود می‌خواند. اهالی مشهد نیز حضور ملک محمود سیستانی را فرصتی برای رسیدن به امنیت و آرامش خراسان دانستند، اما چندی نگذشت که ملک محمود که بیشتر به روش ملک ستانی آشنایی داشت و با روش‌های ملک‌داری بیگانه بود، نتوانست تعادل بین نیروهای نظامی و شهری را نگه دارد و طولی نکشید که بروز



اختلاف بین فرماندهان و سرداران زمینه سقوط ملک محمود و اعیان شهر را فراهم ساخت. (طهرانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶ - ۱۵۳).

با حضور نادرشاه در عرصه امور سیاسی و نظامی، تا حدودی اوضاع نابسامان خراسان و دیگر نقاط ایران آرام شد، اما او نتوانست تعصبات ارضی بین اهالی عراق عجم و خراسان را از میان بردارد. با قتل نادرشاه و برهم خوردن تعادل قدرت بین خراسان و عراق عجم، بین این دو گسستگی به وجود آمد و کانون‌های قدرت به مشهد و شیراز منتقل شد، تا این که با روی کار آمدن دولت قاجار، این انشقاق تا حدودی ترمیم شد. به عبارتی، آنچه سبب تغییر شکل در این موضوع ثابت می‌گردید، نوع عملکرد امرا و فرماندهانی بود که جامعه را با سیاست‌ها و روش‌های مختلف خود اداره می‌کردند.

در زمینه تاریخ‌نگاری فرهنگی خراسان در این محدوده زمانی، به سبب کمبود تاریخ‌نگاری‌های محلی، اطلاع چندانی در دست نیست. تنها در دوره ناصرالدین‌شاه اشارات مختصری درباره تعدادی از مدارس مذهبی اطراف حرم وجود دارد که تدریس در آن‌ها بیشتر جنبه اعتباری داشت. در این زمان، تدریس درآمد چندانی نداشت و مدرسان برای رضای خدا یا کسب شهرت درس می‌دادند. طلاب فقیر، استادان یا طلاب صاحب مکنت را خدمت می‌کردند و در مقابل کمی پول به آن‌ها داده می‌شد. این مدارس فرق چندانی با کاروان‌سرا نداشت و محل سکونت افراد مختلفی بود. در مدارس، علوم دینی دروسی از قبیل فقه، اصول، کلام، حکمت الهی خوانده می‌شد و منطق در حد برتری در مناقشه، اهمیت داشت.

مناظره و حاضر جوابی، نجوم بطلمیوسی، تعیین ساعت برای مردم عوام و طب نیز از علوم مورد توجه بود که صاحبان آن‌ها دستمزد کمی دریافت می‌کردند. اما علمایی که اغلب علوم دینی را با نجوم درآمیخته بودند و مورد استقبال مردم نیز قرار می‌گرفت، درآمد بیشتری کسب می‌کردند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۳۲۰ - ۳۱۹). در اواخر دوره قاجار به سبب توجهی که به علما و دانشمندان خراسان گردید، شرح حال عده‌ای از آن‌ها از سال ۹۹۷ ق. / ۱۵۸۸ م. تا ۱۳۰۹ ق. / ۱۹۸۱ م. تحریر گردید (میرزا عبدالرحمن، ۱۳۴۱: ۲۸ - ۳۰).



جدول ۳. پراکندگی نام علما و دانشمندان خراسان

دوره قاجار	دوره افشار و زند	دوره صفوی
۲۹ مورد	۱۱ مورد	۲۴ مورد

(میرزا عبدالرحمن، ۱۳۴۱)

در بررسی پراکندگی شرح حال دانشمندان خراسانی در دوره صفوی، این نکته به نظر می‌رسد که با وجود اهمیت خراسان به عنوان تخت‌گاه نواحی شرق و شمال شرقی ایران و تکیه دولت صفوی بر مذهب تشیع در سیاست‌های مذهبی خود، تعداد دانشمندان شیعی ساکن در خراسان نسبت به اواخر دوره صفوی بسیار کمتر بوده است. این امر بیانگر آن است که توجه به مذهب تشیع بیشتر جنبه سیاسی داشته تا مذهبی و علمی، به همین جهت پس از فروپاشی دولت صفوی تا دوره قاجار این تعداد رو به کاهش نهاد و در اواخر دوره قاجار شمار بیشتری از علما و دانشمندان در خراسان سکونت داشتند. به عبارتی، با وجود اهمیت شهر مشهد در تقویت مذهب تشیع، تعداد علمای شهر محدود بود و با سقوط دولت صفوی، به نصف کاهش یافت. تنها در اواخر دوره قاجار شرایط برای حضور علمای شیعی مهیاتر گردید و تعداد دانشمندان رو به افزایش نهاد. از موضوعات مورد توجه دیگری در تاریخ‌نگاری محلی خراسان، طبابت است. طب الرضا موضوعی است که برخی مورخان محلی به آن توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند و درباره اهمیت آن و نحوه درمان بیماری‌ها، اطلاعاتی را ثبت نموده‌اند (بسطامی، ۱۳۹۰: ۲۳۹ - ۳۴۲).

نتیجه‌گیری

در تاریخ‌نگاری‌های موجود محلی خراسان پس از فروپاشی دولت صفوی تا قاجار، مورخان محلی بیشتر به موضوعات سیاسی، مذهبی و مرتبط با شهر مشهد پرداخته‌اند و درباره موضوعات مختلف شهری و حتی منطقه خراسان صحبت چندانی نکرده‌اند. از طرفی، اعتبار و نفوذ موضوعات مذهبی، موضوعات تاریخی و شهری را تحت الشعاع خود قرار داده است و مورخان موضوعات سیاسی و شهری مشهد را عمدتاً بر محور آن بیان نموده‌اند. تمرکز مورخان محلی بر روی موضوعات خاص باعث شده تا اطلاع



دقیق‌تری درباره آن‌ها به دست آید، اما سبب مهجور ماندن بسیاری از موضوعات محلی گردیده که در ساختارها و کنش‌های اجتماعی، نقش مؤثری داشته‌اند. با وجود آن که خراسان یکی از کانون‌های مهم تاریخ‌نگاری ایران در ادوار گذشته بود؛ کمبود تاریخ‌های محلی، شناخت این دوره را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است.

## منابع

- ادیب هروی، محمد حسن (۱۳۲۷). *الحدیقه الرضویه*، مشهد، چاپخانه خراسان.
- اشپولر و دیگران (۱۳۸۰). *تاریخ‌نگاری در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۲). *مطلع الشمس*، بی‌جا، فرهنگسرا.
- ایمان، محمد تقی و منیژه محمدیان (پائیز ۱۳۸۷). «روش‌شناسی نظریه بنیادی»، فصلنامه علمی پژوهشی *روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۴، ش ۵۶.
- بسطامی، فاضل (۱۳۹۰). *فردوس التواریخ*، تحقیق و تصحیح علیرضا اکرمی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- تاریخ مشهد (۱۳۴۴ق). سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۰۵۴۶۳۵.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *کالبد شکافی موضوع و موضوع‌یابی در تاریخ‌نگاری شفاهی*، روش‌شناسی و موضوع‌یابی مطالعات شهری در تاریخ شفاهی، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- حسینی، محسن (۱۳۸۹). *خراسان، انبیه و مشاهیر*، مجموعه مقالات، عبدالحمید مولوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- خیراندیش، عبدالرسول (خرداد و تیر ۱۳۸۰). *صورت‌شناسی تاریخ‌های محلی*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۴۴-۴۵.
- زین‌العابدین میرزای قاجار (۱۳۸۲). *نفوس ارض اقدس مردم مشهد قدیم*، تصحیح و توضیح از مهدی سیدی، مشهد، سگال.



- ستوده، مولود (۱۳۹۲). موضوع یابی و کالبد شکافی آن در تاریخ نگاری های محلی ایران ۱۳۴۴ - ۱۳۳۵ق، اصفهان، دانشگاه اصفهان، پایان نامه دکتری تاریخ محلی.
- صبوری، ناصح و ظهیر (۱۳۸۶). شجرة الملوک، تحقیق و تصحیح منصور صفت گل، تهران، میراث مکتوب.
- طهران‌ی، محمد شفیع (۱۳۸۳). مرآت واردات، تصحیح و تعلیقات منصور صفت گل، تهران، میراث مکتوب.
- کرمانی، ملا محمد مومن (۱۳۸۴). صحیفه الارشاد، تصحیح و تحشیه و مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، نشر علم.
- لاهیجی، محمد بن محمد علی صدرالمتالهین (۱۳۸۵). تاریخ و جغرافیای خراسان، تصحیح محمدرضا قصابیان، مشهد، انصار.
- میرزا عبدالرحمن (۱۳۴۱). تاریخ علماء خراسان، با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمدباقر ساعدی خراسانی، مشهد، کتاب فروشی دیانت.

- Sotoudeh, Moloud, Morteza Nouraei & Aliakbar Kajbaf,  
Subject Analysis in Iran's Local Historiography 1722-1925,  
URL: <http://dx.doi.org/10.5539/ach.v5n2p>, 2013